



مسئولیت نهادهای علمی و دانشگاه‌ها

در مواجهه با چالش‌های معاصر

ثریا رحیمی - کارشناس ارشد زبان و ادبیات عرب دانشگاه علامه طباطبایی تهران - از اهل سنت
جواد محمدزاده - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عرب دانشگاه بوعلی سینا همدان



چکیده

دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه از مهم‌ترین نهادهای ارزشی فرهنگ‌سازی و نهادینه کردن هویت در جامعه به‌شمار می‌روند. دانشگاه‌ها برای این که بتوانند رسالت خود را در تربیت افراد متخصص و آگاهی‌بخش به جامعه به نحو مناسب انجام دهند، می‌بایست چالش‌های عصر خود را شناخته و با ارائه‌ی طرح‌های هدفمند، در جهت رفع آنها گام بردارند. چالش‌های تهدید امنیت ملی کشورها و ظهور تروریسم، از مهم‌ترین چالش‌های دنیای امروز است که تهدیدی جدی برای صلح و امنیت جهانی به‌شمار می‌رود و دانشگاه می‌تواند با ارائه‌ی آموزش‌های لازم، در مبارزه با تروریسم و جلوگیری از نشر اندیشه‌های افراطی در جامعه گام بردارد. دانشگاه همچنین ملزم است در مواجهه با چالش‌های اقتصادی و نیز تحولات سریع فناوری اطلاعات در جهان امروز، با ارائه‌ی آموزش‌های ضروری، هم فرهنگ صحیح بهره‌برداری از فناوری‌های نوظهور ارتباطی را برای جامعه‌ی هدف نهادینه سازد و هم با اصلاح نظام آموزشی صرفاً تئوری محور و با توسعه‌ی آموزش‌های مولد کار، نیروهای کارآمد و کارآفرین تربیت کند و از این طریق، همراه با دولت در جهت حل بحران بیکاری گام بردارد. در عرصه‌ی تعاملات فرهنگی نیز وظیفه‌ی اصلی دانشگاه‌ها، آشناسازی دانش‌پژوهان با نحوه‌ی تبادل فرهنگی، عوامل تهاجم فرهنگی و نیز روش‌های مقابله با تهدیدها در این زمینه است. این پژوهش با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی بر آن است تا با بیان چالش‌های عصر امروز، مسئولیت دانشگاه‌ها را در مواجهه با آنها بیان کند.

کلیدواژه‌ها: دانشگاه، تروریسم، چالش‌های معاصر، تهدیدها و فرصت‌ها



مقدمه

پر واضح است که امنیت کشورها و رشد و توسعه‌ی آنها، تنها به میزان سرمایه‌های طبیعی و ذخایر مالی آنها وابسته نیست، بلکه در وهله‌ی نخست، به سرمایه‌های انسانی و نیروی این انرژی پنهان بستگی دارد که با هوش، ذکاوت و هوشیاری خود می‌توانند دست به نوآوری زده و مهارت‌های خلاقانه‌ای را در راستای بهبود هر چه بهتر شرایط جامعه‌ی خود به منصفی ظهور رسانند.

با ذکر این مقدمه و در نظر داشتن نیروی سیال این سرمایه‌ی عظیم، که همان اندیشه‌ی انسان است و نیز با توجه به این که دنیای معاصر مملو از تغییر و تحول و بحران‌هایی گاه مهارنشده‌ی است، نیاز ملتها به اندیشه‌های مشترک و هویت ملی و دینی، بیش از پیش احساس می‌شود. امروزه دنیای ارتباطات الکترونیک، تهدیدها و فرصت‌هایی را فرآوری جوامع بشری قرار داده است و به بیانی دیگر، دگرگونی‌های فن‌آوری و ظهور عرصه‌های ارتباطی نوین نظیر ماهواره‌ها، رایانه‌ها، اینترنت و فضای مجازی چالش‌هایی همچون رواج ارزش‌های جهان-شمول، ایجاد زمینه‌ی هویت‌یابی و واگرایی محلی و... را به دنبال داشته است (خانیک، ۱۳۸۳ش، ص ۲۸۵).

با توجه به این فرصت‌ها و تهدیدها می‌توان گفت بازآفرینی، حفظ و پویایی هویت و تمدن یک کشور در دوران کنونی و جلوگیری از آسیب‌های احتمالی این ارتباطات گسترده، رسالت خطیری است که امروزه مسئولیت آن، بیش از هر نهاد دیگری، بر عهده‌ی دانشگاه‌ها و دانش‌پژوهان است. دانشگاه‌ها به عنوان نهادهایی که در رأس سیستم آموزشی قرار دارند، مناره‌های علم و اندیشه در جهان امروز به شمار می‌آیند و رسالت اصلی آنها، تربیت کارشناسان و متخصصانی است که تدوین برنامه‌های رشد و توسعه‌ی فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی را سرلوحه‌ی کار خود قرار دهند. بنابراین ضروری است که دانشگاه‌ها به طور مستمر این نیروهای کارآمد را با تمامی امکانات مورد حمایت قرار دهند تا این سرمایه‌های عظیم، بتوانند جامعه‌ی خود را در مقابل هجوم فرهنگی، انحرافات فکری و سایر تهدیدهای کنونی یاری داده و مصون نگاه دارند.

دانشگاه در سده‌های میانه، وظیفه‌ای جز انتقال دانش و معلومات را بر عهده نداشت، اما «با گذشت زمان، در قرن نوزدهم میلادی، علاوه بر انتقال دانش، وظیفه‌ی تولید دانش را نیز عهده‌دار شد. از دهه‌ی نخست قرن بیستم میلادی به بعد، به تدریج از استقلال دانشگاه‌ها کاسته شد و دیگر، دانشگاه به عنوان یک نهاد مستقل آموزشی و پژوهشی مطرح نبود، بلکه «مسئولیت‌پذیری» مفهوم جدیدی بود که دانشگاه‌ها با آن مواجه شدند.» (نیستانی و رامشگر، ۱۳۹۲ش، ص ۱۵۵).



امروزه دانشگاه‌ها سه وظیفه‌ی اصلی آموزش، پژوهش و خدمت‌رسانی به جامعه را برعهده دارند و آنچه که زیرمجموعه‌ی این سه وظیفه قرار می‌گیرد؛ از جمله برنامه‌های آموزشی مداوم و ارتقای مهارت‌ها و توانایی‌ها نیز از جمله‌ی دیگر وظایف دانشگاه‌ها است، البته وظیفه‌ی سوم از درون دو وظیفه‌ی نخست حاصل می‌شود. «در حقیقت دانشگاه به عنوان «محور عقلانیت» جامعه، نقش مؤثر و بلامنازعی در تحولات آن پیدا کرد. این نهاد علمی، مرکز تجمع اندیشمندان، نخبگان و تحصیل‌کردگان جامعه و مهم‌ترین مرکز پرورش خلاقیت‌ها، استعدادها و تخصص‌ها و نیز مرکز توجه جوانان پرشور و با استعداد جامعه شد و این همه باعث شد تا نگاه اجتماع به دانشگاه، نگاهی حساس و توأم با مسئولیت‌خواهی شود.» (همان، ص ۱۵۵).

موفقیت دانشگاه‌ها عموماً با میزان خدماتی که به کشور ارائه می‌دهند، ارزیابی می‌شود. از جمله مهم‌ترین رسالت‌های این نهاد علمی، در کنار آموزش و پژوهش و در راستای خدمت‌گذاری به جامعه، توجه به فرهنگ و باروری و رشد آن است. دانشگاه همچون هر نهاد اجتماعی دیگر، تحت تأثیر نیروها و عوامل اثرگذار امنیتی، اقتصادی و اجتماعی است و در آن واحد، خود نیز بر این عوامل تأثیر می‌گذارد و این جنبه‌ی تأثیر و تأثر، دانشگاه‌ها را ملزم می‌کند تا رسالت خود را تنها بر اهداف سنتی آموزشی و پژوهشی که در لوای شعار «معرفت به منظور علم» مطرح می‌شود، محدود و محصور نکرده، بلکه در جهت رشد کشور، مرتفع نمودن مشکلات جامعه و ارائه‌ی یک زندگی بهتر برای شهروندان گام بردارند.

این نهاد علمی و آموزشی به مثابه‌ی شریان اصلی توسعه‌ی علم و فرهنگ در جامعه، انسان‌ساز و فرهنگ‌آفرین است و ارگانی در تعامل با مجموعه‌ی شرایط فرهنگی و اجتماعی موجود در جامعه است. مراکز علمی دانشگاهی با تأثیرپذیری از روند تحولات اجتماعی و فرهنگی و اثرگذاری متقابل بر آن‌ها و نیز با کارکردهایی چون ارتقای آگاهی‌های عمومی، ایجاد نظم اجتماعی، اجتماعی کردن افراد همسو با اهداف و ارزش‌ها، هماهنگ‌سازی خرده فرهنگ‌ها، تهیه‌ی فلسفه‌ی اجتماعی جامعه و نقد سیاست‌های عمومی، نقشی فعال و حیاتی را در جامعه ایفا می‌کنند (ذکر صالحی، ۱۳۸۲ش، صص ۱۱-۱۰). با این نگرش می‌توان گفت که تعامل دانشگاه و جامعه، تعاملی دوسویه در جهت رفع نیازها و رشد و تعالی است.

📌 رسالت دانشگاه‌ها در حفاظت از امنیت ملی

بر کسی پوشیده نیست که مسائل مربوط به امنیت ملی، از مهم‌ترین مسائل استراتژیکی است که به طور مستقیم بر رشد و توسعه‌ی جوامع اثر می‌گذارد. جهان معاصر، شاهد چالش‌های امنیتی بسیاری است که یکی از برجسته‌ترین موارد آن در قالب پدیده‌ای به نام

تروریسم، پدیدار گشته است تا جایی که این پدیده، به مهم‌ترین تهدید برای ثبات امنیتی ملت‌ها تبدیل شده است. بنابراین در شرایط کنونی، اهمیت تمسک به دانش و پژوهش‌های علمی مرتبط با مسائل امنیت ملی و استراتژیک و به خدمت گرفتن مجامع علمی برای حل چالش‌های امنیتی و در راستای اجرای این اهداف، امری ضروری است. در حقیقت، مسأله‌ی امنیت ملی یکی از مهم‌ترین مسائلی است که تأثیری مستقیم بر لایه‌های مختلف اجتماعی درون یک کشور دارد و می‌توان گفت آن چیزی که امروزه در رأس بحران‌های امنیتی جوامع قرار داشته و به نوعی تمامی سطوح آن را فراگرفته است، ناامنی ناشی از پدیده‌ای با نام تروریسم است.

پیش از پرداختن به نقش دانشگاه‌ها در بصیرت‌افزایی و مقابله با چالش‌های امنیتی پیش‌رو، تعریفی اجمالی از واژه‌ی تروریسم و موضع دین مبین اسلام در قبال آن را ارائه می‌دهیم.

تعریف تروریسم

تروریسم که در انگلیسی «terror» و در زبان عربی «إرهاب» نامیده می‌شود، «در لغت به معنای «وحشت» و «به وحشت افکندن» است و در سیاست، به عمل حکومت یا گروه‌هایی اطلاق می‌شود که برای حفظ قدرت و یا مبارزه با دولت، با اعمال خاص ایجاد وحشت می‌کنند.» (آشوری، ۱۳۵۴ ش، ۶۴). همچنین در فرهنگ دهخدا در ذیل تعریف این واژه چنین آمده است: «اصل حکومت وحشت و فشار؛ اصول حکومتی که در فرانسه از ۱۷۹۳ تا ۱۷۹۴ م مستقر بود. در زبان فارسی، این کلمه به اصلی اطلاق می‌شود که در آن، از قتل‌های سیاسی و ترور دفاع گردد.» (دهخدا، ۱۳۴۳ ش، ۶۳۶).

به لحاظ اصطلاحی، تروریسم، روش حکومت‌هایی است که با حبس، شکنجه، اعدام و سایر اعمال خشونت‌آمیز، مخالفان خود را سرکوب می‌کنند و یا روش دسته‌هایی انقلابی و ارتجاعی است که برای برافکندن و یا مرعوب ساختن دولت، به آدم‌کشی، آدم‌زدی، خراب‌کاری و... دست می‌زنند. به همین دلیل است که ترور را به معنای قتل سیاسی نیز به کار می‌برند و کسانی را که به قتل سیاسی دست می‌زنند را «تروریست» می‌خوانند (آشوری، ۱۳۵۴ ش، ۶۴).

نوام چامسکی در تعریف «تروریسم» معتقد است: «تروریسم، کاربرد ابزار زورگویانه برای هدف قرار دادن مردم غیرنظامی در تلاش برای دستیابی به اهداف سیاسی، مذهبی یا مانند آن است» (هادویان، ۱۳۸۲ ش، ۳۳).

همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد، در زبان عربی از واژه‌ی تروریسم به إرهاب تعبیر می‌شود



که به معنای به ترس و وحشت انداختن است. دکتر «صلاح‌الدین عامر» یکی از زبان‌شناسان عرب در تعریف این کلمه می‌گوید: «تروریسم، اصطلاحی است که در سال‌های اخیر مورد استفاده قرار می‌گیرد و مقصود از آن، اعمال سازمان‌یافته‌ی شکنجه به منظور رسیدن به یک هدف سیاسی است و به طور خاص، همه‌ی اقدامات خشونت‌طلبی است که یک سازمان سیاسی به کار می‌گیرد تا یک جو ناامنی را به وجود آورد.» (عوض‌الله، ۲۰۰۱م).

◀ مقابله‌ی دین با خشونت و جنایت در جامعه

در قرآن کریم واژه‌ی «ارهاب» در آیاتی چند آمده است؛ از جمله در آیه‌ی چهارم سوره‌ی بقره آمده است:

«يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ وَإِيَّايَ فَارْهَبُونِ» (بقره، ۴۰)

(ای فرزندان اسرائیل! نعمت‌هایم را که بر شما ارزانی داشتم به یاد آورید و به پیمانم وفا کنید تا به پیمان‌تان وفا کنم و تنها از من بترسید)

در این آیه‌ی شریفه، «فارهبون» به معنای خوف و ترس از خداوند است. برخی تلاش نموده‌اند تا با دست‌مایه قرار دادن ذکر واژه‌ی «ارهاب» در قرآن مجید، اسلام را دینی تروریسم‌محور و تروریست‌پرور معرفی نمایند. اما باید این نکته را در نظر داشت که هیچ‌یک از مشتقات واژه‌ی «ارهاب» در قرآن به مفهوم کنونی «ارهاب» یا «ارهابیون»، که در جهان سیاسی امروز کاربرد دارد، نیست و معنایی کاملاً متفاوت با استعمال امروزی آن را دربرمی‌گیرد.

اسلام، دین میانه‌روی و اعتدال است و با هر گونه افراط و غلو در دین مخالف است. رحمت و مغفرتی که این دین متعالی به آن فرا می‌خواند، رحمتی واسع و بخششی همه‌جانبه است که نه تنها انسان‌ها، بلکه تمامی موجودات را فرا می‌گیرد. با وجود تعالیم واضح و بی‌شائبه‌ی این دین صلح و رحمت در مهر آفریدگان نسبت به هم، متأسفانه جریان‌هایی تندرو در جهان اسلام سر برآورده‌اند که با تفسیر تعالیم این دین مبین مطابق با خواسته‌ها و هواهای نفس سرکش خود به گمراهی رفته و انسان‌های بسیاری را نیز به ضلالت کشانده‌اند. شعارهایی که این گروه‌ها و فرقه‌های افراطی با نام دفاع از دین سر می‌دهند، نمی‌تواند انسان‌های آگاه و وجدان‌های بیدار را فریب دهد، زیرا تمامی ادیان آسمانی به ویژه دین مبین اسلام، هر گونه خشونت، کشتار و ترور را، آن هم با این شیوه‌ی وحشیانه و ضدبشری، رد می‌کنند و به جای این همه نفرت و تعصب‌های نابجایی که این تروریست‌ها تبلیغ می‌کنند، به رحمت و برادری فرا می‌خوانند. نباید از این نکته غافل بود که مهر و

عظوفت میان آفریدگان، هدف اصلی و زیربنای رسالت نبی مکرم اسلام است؛ چنانچه خداوند در آیه‌ی ۱۰۷ سوره‌ی انبیاء، رسول گرامی خود را پیامبر رحمت و نوید دهنده‌ی مهر میان بندگان می‌خواند:

«وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (الأنبياء، ۱۰۷)

(و ما تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستاده‌ایم)

دین مبین اسلام، در مسأله‌ی حفظ امنیت و سلامت جامعه‌ی انسانی، شدیدترین انواع مجازات را برای مجرمان قائل شده است. این دین متعالی، سخت‌ترین مجازات را برای کسانی در نظر می‌گیرد که با آبروی مردم بازی کرده و مرتکب اعمال ناشایست غیراخلاقی شوند، مردم را بترسانند و اموال آنان را به سرقت برند. این امر، خود حاکی از آن است که اسلام به‌هیچ عنوان اجازه نمی‌دهد با اعمال خشونت و ترس و ترور، جان، مال و آبروی انسان‌ها را به خطر افکند. زیرا نفوس انسان‌ها، اعم از شیعه و سنی و حتی غیرمسلمانان، نزد دین مبین اسلام محترم است و نباید از این نکته غافل شد که قرآن کریم، مجازات‌های سنگینی برای مفسدان فی‌الارض و محاربان، که جان و مال دیگران را در معرض تهدید و خطر قرار می‌دهند، در نظر گرفته و همین امر، نشان از آن دارد که اسلام همواره در تضاد با خشونت و ترور بوده و پیروان خود را به مقابله با آن فرمان می‌دهد.

خداوند متعال در آیه‌ی سی و دوم سوره‌ی مبارکه‌ی مائده می‌فرماید:

«مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا»

(هر که کسی را جز به قصاص قتل یا (به کیفر) فسادی در زمین بکشد، چنان است که گویی همه مردم را کشته باشد و هر که کسی را زنده بدارد، چنان است که گویی تمام مردم را زنده داشته است).

بر این اساس، در اسلام تنها در دو مورد، قتل جایز شمرده شده است: نخست؛ قصاص قاتل یا به عبارتی، نفس در مقابل نفس و دوم؛ قتل به دلیل افساد فی‌الارض. بدیهی است، کشتن کسی که مرتکب این اعمال نشده، در آیین اسلام جنایتی نابخشودنی است و به تعبیر صریح قرآن، معادل کشتار همه بشریت است. این آیه، خود دلیل محکمی در مبغوضیت تهاجم‌ها، قتل و کشتار گروه‌های تروریستی در نگاه اسلام است که متأسفانه در بیش‌تر موارد، این جنایات با نام اسلام و با شعار دفاع از دین صورت می‌گیرد و نشان می‌دهد این‌گونه اعمال غیرانسانی، ناشی از برداشت‌های انحرافی و سودجویانه از آیات قرآن کریم و از احادیث نبوی است.



چالش تروریسم در جهان امروز

تروریسم، پدیده‌ای بسیار پیچیده، سیال و با ابعاد گوناگون است و نمی‌توان آن را صرفاً یک پدیده‌ی جنایی قلمداد کرد که با تفسیرها و تحلیل‌های سیاسی قابل تعریف و مرزبندی دقیق و جامع باشد. تروریسمی که اکنون جهان، به ویژه منطقه‌ی عربی شاهد آن است، نشأت گرفته از فعالیت گروه‌هایی است که از نام دین، برای رسیدن به اهداف سیاسی خود سود می‌جویند و با شکار اشخاصی که عموماً از مشکلات روحی رنج می‌برند و در نتیجه به آسانی تحت تأثیر افکار دیکته شده از سوی سردمداران این گروه‌های خبیث قرار می‌گیرند و با بهره‌گیری و سوءاستفاده از این افراد، اهداف خود را عملی می‌کنند، تا جایی که اعضای این گروه‌های تروریستی، داوطلبانه به انتحار و خودکشی، دیگرکشی و کشتار افراد بی‌گناه دست می‌زنند. درحالی که هیچ منطق سالمی، خودآزاری و دیگرآزاری راه، آن‌هم به این شکل منجرکننده، نمی‌پذیرد. این حیوانات انسان‌نما با تربیت افرادی جانی، علاوه بر رسیدن به اهداف سیاسی خود، دین مبین اسلام را نیز چون ابزاری در مسیر ارضای خواسته‌ها و توجیه جنایت‌های وحشیانه و ضد بشری خود قرار می‌دهند (رشوان، ۱۴۲۶ق، ص ۱۴).

به طور کلی، پدیده‌ی تروریسم از مهم‌ترین تهدیدهای جوامع بشری در دنیای امروز است. جهان در سال‌های اخیر، شاهد گسترش این پدیده‌ی مخوف بوده است تا جایی که میلیون‌ها انسان بی‌گناه قربانی ترورها، بمب‌گذاری‌ها و عملیات انتحاری اعضای این گروه‌های تروریستی شده‌اند، تروریست‌هایی که فطرت انسانی خود را از دست داده و هم‌چون درندگانی سیری‌ناپذیر، خون بیگناهان را می‌ریزند و برای رسیدن به مقاصد شوم خود، از کشتار کودکان و زنان نیز ابایی ندارند. جنایت و خشونت‌ی که در حال حاضر، بسیاری از کشورهای جهان خصوصاً کشورهای اسلامی را درگیر خود نموده است، اثراتی ویران‌گر و جبران‌ناپذیر بر زیرساخت‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشورهای قربانی بر جای نهاده است و اگر سریع‌تر، ریشه‌ی این غده‌ی سرطانی از نهاد جوامع بشری برکنده نشود، معلوم نیست آینده‌ی بشر بر روی کره‌ی خاکی به کجا خواهد رسید و چند انسان بی‌گناه دیگر قربانی ظلم‌ها و هم‌نوع‌کشی‌های این افراط‌گران خواهند شد. از آن‌جا که پدیده‌ی تروریسم جنایت بزرگ عصر حاضر است؛ جنایتی که روز به روز بر میزان پیچیدگی و تعدد متغیراتش افزوده می‌شود، بنابراین ضروری است که دانشگاه‌ها به وظایفی که در مقابله با این گروه‌ها و جلوگیری از ترویج افکاری افراطی در جامعه برعهده دارند عمل کنند و با تمام قوا به مبارزه با این اندیشه‌های انحرافی بپردازند.

در ادامه‌ی این بحث، چالش‌های گوناگون جهان معاصر و مسئولیت دانشگاه‌ها در حل این چالش‌ها را به صورت مختصر بیان می‌کنیم.

➤ رشد ارتباطات و تحول فناوری اطلاعات در عصر حاضر

در سه دهه‌ی اخیر، توسعه‌ی تکنولوژی خصوصاً در زمینه‌ی ارتباطات جمعی منجر به گستردگی و گاه پیچیدگی ارتباطات در جوامع انسانی شده است. این تغییر و تحول در حوزه‌های ارتباطی مرهون پیشرفت‌های چشم‌گیر بشر در عرصه‌ی علوم کامپیوتری، سخت‌افزار، نرم‌افزار و دانش فناوری اطلاعات و ارتباطات است. ارتباطات نوین و ظهور تجهیزات ارتباطی چون ماهواره، اینترنت و فضای مجازی، مرزهای جغرافیایی را درنوردیده و ارتباطات انسانی و تحولات فرهنگی نوینی را به جوامع انسانی تقدیم نموده است. این پیشرفت‌ها در علوم و تکنولوژی، هر چند تسهیلات فراوانی برای بشر فراهم آورده است، اما در عین حال، مشکلات جدیدی را دامن‌گیر جوامع بشری نموده است که از جمله‌ی این مشکلات می‌توان به تضعیف روابط عاطفی و انسانی و ناهنجاری‌های اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی اشاره کرد. با وجود این آسیب‌ها، برخی معتقدند همگرایی تکنولوژی در جوامع انسانی می‌بایست منجر به تقویت امنیت انسانی در کشورها و رشد و تقویت اخلاق و فرهنگ شود (آیتی و محمدزاده، بی‌تا، ص ۳۲۷).

توجه به ارتباطات به عنوان یکی از علوم نوین، از اوایل قرن بیستم به بعد رو به افزایش است و مدیریت دانشگاه‌ها در عصر حاضر، در همه‌ی بخش‌ها و زیرمجموعه‌ها، برای پیش‌برد اهداف، برنامه‌ها و فعالیت‌های خود متکی بر اطلاعات است. در دوران کنونی، چرخش مستمر اطلاعات با سرعتی وصف‌ناپذیر صورت می‌گیرد و قدرت کشورها، در چگونگی نظارت، کنترل و مهار این اطلاعات از یک‌سو و کیفیت بهره‌برداری و کم نمودن فاصله‌ی زمانی میان ظهور تجهیزات نوین ارتباطی و بهره‌برداری از آن از سوی دیگر است و در واقع، کشوری در این میدان رقابت پیروز است که بتواند به خوبی از این اطلاعات، بهره‌برداری کرده و آن را با طبیعت عصر و نیز با فرهنگ جامعه‌ی خود سازگار سازد. به این ترتیب، قدرت مدیریت دانشگاه‌ها به میزان فراهم نمودن اطلاعات برای زیر مجموعه‌های خود، ایجاد شرایط مطلوب جهت علم به این اطلاعات و بهره‌برداری مفید از آن بستگی دارد.

به طور کلی، می‌توان مسئولیت اصلی دانشگاه در مواجهه با فناوری‌های نوین ارتباطی و ظهور و چرخش سریع اطلاعات در جهان امروز را در دو محور اصلی زیر دسته‌بندی نمود: الف: توجه به تحول مستمر فناوری‌های ارتباطی و نیز کثرت معلومات و اطلاعات جدید که عموماً قابلیت انتشار آنی را داراست، دانشگاه‌ها ملزمند با به روز نمودن تجهیزات ارتباطی متناسب با نیاز امروز، فاصله‌ی زمانی میان دریافت اطلاعات جدید و دستیابی جامعه‌ی هدف را به آن به حداقل ممکن برسانند.



ب: دانشگاه‌ها موظف‌اند با ارائه‌ی آموزش‌های لازم، فرهنگ صحیح بهره‌برداری از این فناوری‌ها و اطلاعات را برای جامعه‌ی هدف نهادینه سازند.

امروزه مدیریت، نظارت و کنترل بخش اعظم اطلاعات جهان به عنوان ابزاری در اختیار تعداد انگشت‌شماری از ابرقدرت‌ها است که این امر خود هوشیاری روزافزون دیگر کشورها را می‌طلبد و هر گونه غفلت از تحولات جهان معاصر در زمینه‌ی ارتباطات و فناوری اطلاعات در درازمدت، موجب سلب هویت فرهنگی جوامع توسعه‌نیافته و استفاده ابزاری ابرقدرت‌ها از این جوامع در جهت اجرای اهداف و تحقق منافع خود می‌شود.

چالش‌های اقتصادی جهان معاصر

یکی از تبعات پیشرفت تکنولوژی و رشد سریع زیربنای اقتصادی کشورها، بروز تحولاتی در ساختار مشاغل و طبیعت و ماهیت آن‌ها است، به گونه‌ای که، این تحولات سبب کم‌رنگ شدن بعضی مشاغل و ظهور مشاغل نوینی شده که تا پیش از این معمول نبوده است. با نظر به این تغییرات ساختاری انتظار می‌رود بر تعداد دفعاتی که فرد مجبور به ایجاد تغییرات کلی یا جزئی در شغل خود و یا ترک آن و روی آوردن به کاری جدید شود، افزایش یابد. در نتیجه‌ی این تحولات و پیامدهای آن، آموزش‌های دانشگاهی نباید متمرکز بر شیوه‌هایی باشد که دانشجویان را تک بعدی و صرفاً صاحب معلومات مبتنی بر تئوری وارد بازار کار گرداند، بلکه باید با ارائه‌ی آموزش‌های مناسب و تخصص‌هایی عمومی و فراگیر، علاوه بر آموزش‌های حرفه‌ای، این امکان را برای دانش‌آموختگان فراهم آورد که توانایی سازگاری با تغییرات احتمالی در مشاغل مرتبط را داشته باشند. در این راستا، بسیاری از کشورها به ویژه ژاپن و آمریکا با ارائه‌ی آموزش‌های عمومی، دانشجویان را در اوان ورود به دانشگاه و آغاز تحصیل، به فراگیری مهارت‌های عمومی ملزم می‌کنند. از این رو، دانشگاه‌ها باید برای ترقی به ترویج کارآفرینی و مهارت‌هایی از این دست که ماهیتی مستقل دارند، بیندیشند و برای تحقق اهداف خود در این عرصه برنامه‌ریزی کنند، زیرا نسل جوان امروز نیازمند کسب آموزش‌ها و مهارت‌هایی است که بدانند چگونه در برابر محیط‌های پیچیده و گاه ناامن بازار کار و قوانین و مقررات متغیر و سیال آن، انعطاف‌پذیر عمل کرده و خود را با محیط شغلی مناسب سازگار گردانند.

در عصر حاضر، توجه به آموزش‌های معطوف به کارآفرینی، در دانشگاه‌های کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه رو به افزایش است. این آموزش‌ها با هدف ارائه‌ی تجربیات علمی و آموزش فرایندهای مناسب تولید کالاهای جدید طراحی و به اجرا در می‌آید. این نوع برنامه‌ها، دانشجویان را در تولید ایده‌های نوین جذب سرمایه و برنامه‌ریزی

در راستای تحقق ایده‌های اقتصادی یاری می‌دهد. در این برنامه‌ها از روش‌های متغیر و متفاوت آموزشی به منظور ارتقای مهارت‌های دانشجویان برای ورود به بازار کار و سرمایه و تأسیس شرکت‌های تجاری استفاده می‌شود. با این بیان می‌توان نتیجه گرفت که دانشگاهی که قصد دارد با تربیت نیروی کار آفرین به جامعه خدمت نماید، باید خود سازمانی کار آفرین باشد، سازمانی که سعی کند خود نیز انعطاف‌پذیر، کارآمد، خالق و نوآور باشد تا بتواند نسبت به تحولات اقتصادی انعطاف داشته و فرصت‌های موجود در بازار را از دست ندهد (باقری و سیاسی، ۱۳۹۱ش، ص ۱۴).

با توجه به چالش‌های اقتصادی در جهان امروز، دانشگاه‌ها موظفند با ارائه‌ی تخصص‌ها و مهارت‌های لازم، زمینه را برای اشتغال فارغ‌التحصیلان با تکیه بر مهارت‌های کسب شده فراهم نمایند. هر چند ایجاد زمینه‌ی اشتغال را نمی‌توان در شمار وظایف دانشگاه‌ها برشمرد و این مسئولیت در درجه‌ی اول، متوجه دولت است که با برنامه‌ریزی و ایجاد زمینه‌های لازم برای اشتغال در حل بحران بیکاری گام بردارد، اما با این وجود، دانشگاه با تربیت نیروهای کارآمد و متخصص که خود بتوانند کارآفرینانی موفق در خدمت جامعه باشند، مسیر را برای اشتغال و جلوگیری از آسیب‌های بیکاری هموار می‌کند.

در میان عوامل داخلی تهدید کننده‌ی امنیت ملی، می‌توان بیکاری را از مهم‌ترین عوامل دانست. تهدیدهای خارجی زمانی امنیت ملی یک کشور را تحت تأثیر قرار داده و به خطر می‌اندازد که آن کشور، دچار بحران‌های درونی باشد. به عبارت دیگر، می‌توان گفت که اگر معضل بیکاری در جامعه به صورت یک بحران حل نشده باقی بماند، کسانی که موفق به یافتن شغل نشده‌اند، خصوصاً جوانان تحصیل کرده و بیکار، به آسانی تحت تأثیر افکار گمراه کننده و وعده‌های پر زرق و برق گروه‌های تندرو قرار می‌گیرند و به امید یک زندگی بهتر همراه با رفاه و آینده‌ای روشن، که در باطن امر، سرابی بیش نیست، فریفته شده و به عضویت این گروه‌ها درمی‌آیند. زیرا فرد بیکار حتی اگر خالی از باورها و پایبندی‌های مذهبی هم نباشد، پس از مدتی به ناامیدی دچار شده و این جاست که دیگر برای او، ارزش‌ها معنا و مفهوم واقعی خود را از دست می‌دهد و حتی ممکن است به ضد ارزش مبدل گردد و قدر مسلم است که تهدید شدن ارزش‌های یک جامعه، در واقع نقطه‌ی شروع به چالش کشیده شدن امنیت ملی است. بیکاری، همواره موجب فقر بوده و فقر نیز به نوبه‌ی خود، یکی از مهم‌ترین عوامل ناهنجاری‌ها و ناسازگاری‌های متعدد نظیر اعتیاد، فحشا، دزدی، قتل، جرم و جنایت، رباخواری و دیگر آسیب‌های اجتماعی است و بدین طریق امنیت ملی را با چالش اساسی روبرو می‌کند (رحیمی، ۱۳۷۹ش، ص ۱۹۵).



❖ دنیای سیاست، تهدیدها و فرصت‌ها

مفهوم نظام سیاسی (Political system)، رهیافتی نو در میان پدیده‌های سیاسی است و دایره‌ی معنایی آن تنها مختص و محدود به نهادهای سیاسی رسمی نیست، بلکه همه‌ی انواع فعالیت‌های سیاسی در جامعه را شامل می‌شود. به بیانی دیگر «نظام سیاسی عبارت است از شکل و ساخت قدرت دولتی و همه‌ی نهادهای عمومی، اعم از سیاسی، اداری، نظامی، قضایی، اقتصادی، فرهنگی و مذهبی و چگونگی کارکرد این نهادها و قوانین و مقررات حاکم بر آن‌ها» (ابوالحمد، ۱۳۸۰ش، ص ۱۹۷).

با این مقدمه می‌توان گفت که چالش‌های سیاسی در دنیای امروز، ابعاد و جوانب متعددی را در بر می‌گیرد که افزایش گستره‌ی دموکراسی و تقارب بین‌المللی و اهتمام رو به افزایش به صلح جهانی، از مهم‌ترین و بارزترین آنها به شمار می‌رود. دموکراسی به‌عنوان شیوه‌ی زندگی سیاسی در جهان مدرن، بر مبانی و اصولی استوار است که در طی فرایند درازمدت مبارزه برای ایجاد حکومت دموکراتیک تکوین یافته است. جوهر این اصول و مبانی را می‌توان در مفاهیم و ارزش‌هایی چون برابری انسان‌ها، اصالت فرد، اصالت قانون، اصالت حاکمیت مردم و تأکید بر حقوق طبیعی، مدنی و سیاسی انسان‌ها یافت (بشیریه، ۱۳۸۵ش، ص ۲۴۳).

در رابطه با افزایش گستره و خیزش دموکراسی در دوران معاصر باید گفت که جهان امروز شاهد جنبش مستمر مردم و حرکت آنان به سمت مشارکت اجتماعی بیش از پیش در سطوح مختلف تصمیمات مربوط به سرنوشت خود و کشورشان می‌باشد. این خیزش دموکراتیک، آسیب‌هایی به همراه دارد که می‌توان بارزترین آن را در مواردی نظیر آزادی بی‌قید و شرط افکار و اندیشه‌ها، ورود فرهنگ از آن سوی مرزها و آنچه که در نتیجه‌ی این بی‌قانونی‌ها و افراط‌ها حاصل می‌شود، تهاجم فرهنگی، تبلیغ عقاید ناهم‌خوان با فرهنگ ملی، تأثیر روزافزون افکار و اندیشه‌های وارداتی بر جامعه که تهدیدی جدی برای فرهنگ ملی به شمار می‌رود، برشمرد. البته این خیزش با وجود همه‌ی این آسیب‌ها، جنبه‌های مثبتی را نیز به دنبال داشته است که یکی از آنها، افزایش سطح آگاهی مردم نسبت به حقوق خود و گرایش بیش از پیش به مشارکت‌های سیاسی و حضور در عرصه‌های مختلف است. اگر مردم جامعه در سرنوشت کشور خود سهیم شوند و خود را در مقابل تهدیدها و چالش‌های سرزمین‌شان مسئول بدانند، در عین آزادی و حفظ هویت فردی، با هم‌وطنان خود آرمان‌هایی مشترک خواهند داشت که این آرمان‌ها، آن‌ها را به سوی تلاش بیشتر و بهره‌وری افزون‌تر هدایت خواهد کرد.

وجود فضای باز سیاسی جهت طرح آرا و نقد اندیشه‌ها و فعالیت‌های نظام‌های سیاسی،

میزان مشارکت مردم را افزایش داده و این امکان را برای آنها فراهم می‌کند که خواسته‌های خود را از طریق نهادهای واسط به حکومت پیشنهاد دهند که این کار، خود منجر به آگاهی دولت از نیازهای اساسی مردم خواهد شد (اکبری، ۱۳۸۸ش، ص ۱۸). بدیهی است وقتی مردم در اداره‌ی امور مشارکت نداشته باشند، مسئولیتی را برای خود در قبال آن متصور نخواهند شد. بنابراین وقتی حکومت، سیاست‌های مهمی اتخاذ کند، اما آن را در معرض افکار عمومی قرار ندهد، مردم سرخورده شده و در نتیجه نسبت به مسائل حیاتی سرنوشت کشور خود بی‌تفاوت خواهند بود.

امروزه میزان علاقه‌مندی کشورهای جهان به تقارب بین‌المللی، صلح جهانی، مبارزه با ترور، تروریسم و خشونت و زندگی در سایه‌سار صلح و آرامش و به دور از جنگ و خونریزی، رو به افزایش است. در بیان‌هی یونسکو در سال ۱۹۹۳ میلادی، بر این موضوع تاکید شده که باید شعار تربیت برای صلح و طرد تروریسم، در رأس اهداف تربیت جهانی در قرن حاضر باشد.

چالش‌های سیاسی دنیای امروز و لزوم تربیت افرادی با اندیشه‌ها و باورهای سالم که به آسانی تحت تأثیر افکار انحرافی و افراطی گروه‌های تروریستی و دیگر باندها و نحله‌های گمراه قرار نگیرند، مسئولیت‌های سنگینی را بر عهده مراکز آموزشی نهاده که مهمترین آن، اقناع دانشجویان به این امر است که جزئی از جهان بزرگ‌تر خود محسوب شوند و باید در راه صلح و آشتی و مقابله با هم‌نوع کشی، خونریزی و خشونت، همراه دیگر مردمان تلاش کنند.

❖ رویارویی با چالش‌های فرهنگی

با تحولاتی که دنیای ارتباطات امروز را درنوریده، شاهد تعامل بی‌واسطه و هم‌زمان کاربران در اقصی نقاط جهان هستیم. این شمول و سرعت در بخش ارتباطات باعث شده تا برخی از عناصر فرهنگ‌های جهانی بر فرهنگ‌های داخلی جوامع سیطره یابند و آنها را تحت کنترل خود درآورند. در واقع، «تبلیغات گسترده از طریق تکنولوژی ارتباطات و وسایل ارتباط جمعی به دلیل ویژگی‌هایی که برای آن برشمرده‌اند، بسیار مورد توجه عاملان تهاجم فرهنگی قرار می‌گیرد از جمله: الف) پوشش فراگیر ب) فرامحیطی بودن ج) چندحسی بودن د) قابلیت تطابق داشتن با فهم عوام» (جاودانی، ۱۳۸۲ش، ص ۹۷).

کشورهای توسعه‌یافته تلاش می‌کنند تا به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم، فرهنگ خود را در میان مردم دیگر کشورها رواج دهند و لباس واحدی را برای تمدن و فرهنگ انسان معاصر دوخته و بر قامت دیگر ملت‌ها بپوشانند تا آن‌جا که به سختی می‌توان حد فاصل میان



فرهنگ ملی و فرهنگ جهانی را مشخص نمود. چنین تسلط و چیرگی، تبعاتی را نیز در بر دارد؛ از جمله فروپاشی فرهنگ ملی کشورهای متأثر از این فرهنگ وارداتی که مشکلات بسیاری را فراروی این کشورها قرار داده است که در این راستا می‌توان به خودباختگی فرهنگی، احساس حقارت، خودکم‌ترینی، انزوای جوانان و در نتیجه تبعیت کردن بی چون و چرا از آن چه از سوی قدرت‌های برتر به آن‌ها دیکته می‌شود، اشاره کرد.

فرهنگ و تمدن، دستاورد انسان است. یکی از ارکان مهم و برجسته‌ی توسعه‌ی انسانی که از بن‌مایه‌های توسعه‌ی همه‌جانبه و پایدار است، همان رشد فرهنگی است و توسعه و ارتقای فرهنگ انسان‌ها نیز جز با تعلیم و آموزش میسر و ممکن نخواهد بود. در این میدان، نقشی که مراکز آموزشی ایفا می‌کنند بی‌بدیل است. مراکز آموزشی، مهم‌ترین گذرگاه انتقال فرهنگ از نسلی به نسلی دیگر هستند، به عبارت بهتر، یکی از مهم‌ترین نهادهایی که جریان فرهنگ‌پذیری و جامعه‌پذیری را در جوامع بشری نهادینه می‌کند، مراکز علمی و آموزشی است. این مراکز می‌توانند با ارتقاء و پرورش حوزه‌های شناختی، ارزشی و گرایشی انسان‌ها، موجبات رشد فرهنگ و نظام‌های درون فرهنگ را میسر سازند. لذا توسعه‌ی فرهنگی، ارتباطی تام و دو سویه با آموزش و نظام‌های آموزشی دارد. «توسعه‌ی فرهنگی جوامع پیشرفته، نتیجه‌ی حرکت دانشگاه‌های آن جوامع در مسیر فرهنگ بومی‌شان است. رشد، غنی‌سازی، پویایی، تحرک و توسعه‌ی فرهنگی جامعه، تأثیر خود را بر غنا، پویایی، کارآمدی، تحرک و دگرگونی ساختار دانشگاه‌ها بر جای خواهد گذاشت. جامعه‌ی نیازمند نیروهای متخصص و کارآمدی است که علاوه بر توانایی علمی پژوهشی، توانایی برقراری ارتباطی فعال و خلاق را با فرهنگ جامعه‌ی خویش داشته باشند» (نیستانی و رامشگر، ۱۳۹۲، ص ۱۶۷).

در برخی شرایط، فرهنگ کشورهای پیشرفته می‌تواند عامل پویایی ذهن و افکار دانشجویان شود و برای او، این امکان را فراهم کند که دست به‌گزینش، تحلیل و حتی تولید فرهنگ زند و این همان است که مرز بین تهاجم فرهنگی و تبادل فرهنگی را مشخص می‌سازد. منظور از گزینش، آن است که هر چیزی که از دیگران است را به طور مطلق و بدون فکر رد نکرده و یا به طور مطلق نپذیریم، زیرا هر فرهنگی، اجزای بسیار متعدد و لایه‌های درونی گوناگونی دارد که ممکن است بعضی از آن‌ها نامطلوب باشد و بعضی مطلوب و وظیفه‌ی ما در این مجال این است که اجزای مطابق با ارزش‌های فرهنگ خود را گزینش کرده و در صورت لزوم با فرهنگ ملی بیامیزیم. خداوند متعال در خصوص گزینش شنیده‌ها و انتخاب بهترین اندیشه‌ها می‌فرماید:

«فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ

وَأُولَئِكَ هُمُ أُولُوا الْأَلْبَابِ» (زمر، ۱۷ و ۱۸).

(پس بندگان مرا بشارت ده! همان کسانی که سخنان را می‌شنوند و از نیکوترین آن‌ها پیروی می‌کنند؛ آنان کسانی هستند که خدا هدایت‌شان کرده، و آن‌ها خردمندانند). مقصود از تحلیل فرهنگ‌ها و گزینش آن‌ها این است که آن‌چه را از فرهنگ دیگر، متناسب و هماهنگ با فرهنگ بومی یافته‌ایم جذب کنیم و به شکل عنصری از فرهنگ خود درآوریم. اگر دو مرحله‌ی گزینش و تحلیل در مورد عناصر فرهنگی درست انجام گیرد، جامعه به مرحله‌ای از رشد و توانایی می‌رسد که می‌تواند با تولید فرهنگ نیازهای جامعه‌اش را برطرف سازد و صرفاً به عنوان مصرف‌کننده‌ی فرهنگ دیگران و تابع بی‌اراده‌ی اندیشه و افکار وارداتی نباشد (افتخاری و کمالی، ۱۳۷۷ش، ص ۱۲۳).

آموزش دانشگاهی، علاوه بر این که ملزم به توجه به جهان پیرامون و فرهنگ عمومی است و نباید تمدن جهانی را نادیده بگیرد، مسئولیت تربیت دانشجویانی را نیز بر عهده دارد که با وجود ارتباط با فرهنگ جهانی، به رشد تمدن و فرهنگ ملی خود اهتمام ورزند. در واقع، وظیفه‌ی اصلی دانشگاه‌ها به‌عنوان یکی از هسته‌های اصلی فرهنگ‌سازی در جامعه، آشناسازی دانش‌پژوهان با نحوه‌ی تبادل فرهنگی و عوامل تهاجم فرهنگی و نیز روش‌های مقابله با تهدیدات و چالش‌ها در این مجال است. آموزش‌هایی که دانشجو در طول دوره‌ی تحصیل خود در دانشگاه فرا می‌گیرد، باید بدون تعصب کور و تخریب‌کننده صورت پذیرد تا از سویی، دیدگان او از دیدن زیباییهای فرهنگ جهانی محروم نشود و از سویی دیگر، با گزینش و تلفیق جنبه‌های مثبت این فرهنگ با فرهنگ بومی خود بتواند مسیر رشد فرهنگی جامعه‌ی خود را هموار گرداند.

نتیجه‌گیری

پس از بیان چالش‌های دوران معاصر و بررسی رسالتی که دانشگاه‌ها در مواجهه با این چالش‌ها، تهدیدها و فرصت‌ها برعهده دارند، مهم‌ترین نتایج به‌دست آمده از این مقاله را در موارد زیر برمی‌شمریم:

- * مهم‌ترین رسالت دانشگاه‌ها در کنار آموزش و پژوهش، خدمت‌گذاری به جامعه و توجه به فرهنگ و باروری و رشد آن است و موفقیت دانشگاه‌ها عموماً با میزان خدماتی که به کشور ارائه می‌دهند، ارزیابی می‌شود.
- * مسأله‌ی امنیت ملی در عصر حاضر، یکی از مهم‌ترین مسائلی است که تأثیری مستقیم بر لایه‌های مختلف اجتماعی درون یک کشور دارد و آن چیزی که امروزه در رأس بحران‌های امنیتی جوامع قرار دارد، ناامنی ناشی از ظهور تروریسم است. دانشگاه‌ها موظف‌اند با ارائه‌ی روشنگری‌های لازم، در جلوگیری از نشر اندیشه‌های



- افراطی گام برداشته و باورهای بشردوستانه و صلح‌طلبانه را در جامعه ترویج نمایند.
- * با توجه به توسعه‌ی ارتباطات و فناوری اطلاعات در دوران کنونی، دانشگاه‌ها ملزم‌اند با به روز نمودن تجهیزات ارتباطی، متناسب با نیاز روز، فاصله‌ی زمانی میان دریافت اطلاعات جدید و دستیابی جامعه‌ی هدف به آن را به حداقل ممکن برسانند و با ارائه‌ی آموزش‌های لازم، فرهنگ صحیح بهره‌برداری از این فناوری‌ها و اطلاعات را برای جامعه‌ی هدف نهادینه سازند.
- * شناخت فرصت‌ها و تهدیدهای چالش‌های سیاسی امروز و برنامه‌ریزی در جهت بهره‌برداری از فرصت‌های موجود و جلوگیری از آسیب‌های احتمالی، یکی از مهم‌ترین رسالت‌های دانشگاه است. خیزش دموکراسی در عصر حاضر که از یک سو آسیب‌هایی همچون آزادی بی قید و شرط افکار، تهاجم فرهنگی، تبلیغ عقاید ناهمخوان با فرهنگ ملی و از سوی دیگر، فرصت‌هایی مانند افزایش سطح آگاهی مردم نسبت به حقوق خود و گرایش بیش از پیش به مشارکت‌های سیاسی و حضور در عرصه‌های مختلف را با خود به‌همراه داشته است. این خیزش، این امکان را برای دانشگاه فراهم می‌کند تا با ایجاد فضای باز و پویای سیاسی و هدایت صحیح دانشجویان، افرادی با اندیشه‌ها و باورهای سالم پرورش دهد که به آسانی تحت تأثیر افکار انحرافی و افراطی گروه‌های تروریستی قرار نگیرند. ضروری است که دانشگاه‌ها باید این باور را در دانشجویان تقویت کنند که جزئی از جهان بزرگ‌تر از خود محسوب شده و باید در راه صلح و آشتی و مقابله با هم‌نوع‌کشی، خون‌ریزی و خشونت، همراه سایر مردم جهان تلاش کنند.
- * یکی از چالش‌های عصر حاضر، چالش اقتصاد و بحران فقر و بیکاری در جوامع است. اگر معضل بیکاری به‌صورت یک بحران حل نشده باقی بماند، کسانی که موفق به یافتن شغل نشده‌اند، خصوصاً جوانان تحصیل‌کرده، به آسانی تحت تأثیر افکار گمراه‌کننده‌ای که نوید یک زندگی بهتر توأم با پول و رفاه را به اعضای خود می‌دهد، قرار می‌گیرند. در این میان، دانشگاه‌ها می‌توانند با اصلاح نظام آموزشی و توسعه‌ی فنون مولد کار، نیروهایی کارآمد و متخصص را تربیت کنند که خود بتوانند کارآفرینانی موفق در خدمت جامعه باشند.
- * یکی از مهم‌ترین عوامل جلوگیری از شیوع ترور و خشونت، رشد فرهنگی جوامع است و در این میان، مراکز علمی و آموزشی می‌توانند با پرورش و ارتقای حوزه‌های شناختی، ارزشی و گرایشی انسان‌ها، موجبات توسعه‌ی فرهنگ و نظام‌های درون فرهنگ را میسر سازند. در واقع، وظیفه‌ی اصلی دانشگاه‌ها به‌عنوان یکی از

هسته‌های اصلی فرهنگ‌سازی در جامعه، آشناسازی دانش‌پژوهان با نحوه‌ی تبادل فرهنگی و عوامل تهاجم فرهنگی و نیز روش‌های مقابله با تهدیدها و چالش‌ها در این مجال است.

منابع

الف) کتاب:

۱. قرآن کریم
 ۲. آشوری، داریوش، فرهنگ سیاسی، تهران، مروارید، ۱۳۵۴ش.
 ۳. آیتی، محسن، محمدزاده، علیرضا، امنیت انسانی و کاربرد فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی امنیت انسانی در غرب آسیا، بی‌تا.
 ۴. ابوالحمد، عبدالحمید، مبانی سیاست، تهران، توس، ۱۳۸۰ش.
 ۵. افتخاری، اصغر و کمالی، علی اکبر، رویکرد دینی در تهاجم فرهنگی، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷ش.
 ۶. اکبری، نورالدین، روابط عمومی در نظام‌های سیاسی دموکراتیک و غیردموکراتیک، ماهنامه علمی-تخصصی انجمن روابط عمومی ایران، شماره ۶۸، ۱۳۸۸ش.
 ۷. باقری، زهرا و شیاسی، فاطمه، بررسی نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات در توسعه‌ی فرصت‌های کارآفرینی از دیدگاه اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های آزاد و پیام نور، کنفرانس ملی کارآفرینی، دانشگاه مازندران، ۱۳۹۱ش.
 ۸. بشیریه، حسین، آموزش دانش سیاسی، تهران، نگاه معاصر، ۱۳۸۵ش.
 ۹. دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه دهخدا، ج ۱۵، تهران، دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران، ۱۳۴۳ش.
 ۱۰. جاودانی شاهدین، حمید، درآمدی بر شناخت ابعاد تهاجم فرهنگی، مجله‌ی حوزه و دانشگاه، سال دهم، شماره ۳۵، ۱۳۸۲ش.
 ۱۱. خانیکی، هادی، تحولات نوین اجتماعی و سیاست‌گذاری فرهنگی در دانشگاه، دایرة المعارف آموزش عالی، ج ۱، تهران، بنیاد دانشنامه‌ی فارسی، ۱۳۸۳ش.
 ۱۲. ربیعی، علی، و نظریان، زهرا، موانع خصوصی‌سازی آموزش عالی در ایران، فصلنامه‌ی انجمن آموزش عالی ایران، سال چهارم، شماره ۲، دوم، ۱۳۹۱ش.
 ۱۳. رحیمی، حسین، بحران بیکاری و امنیت ملی در ایران دهه‌ی ۸۰، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شماره ۱۵۹ و ۱۶۰، ۱۳۷۹ش.
 ۱۴. رشوان، ضیاء، الإسلام والإرهاب، موقع المصری الیوم، ۲۰۱۶م، ۵۱۴۲۶ق.
 ۱۵. عوض‌الله، محمد خیر، rayaam.net موقع صحیفة الرأی العام، ۲۰۰۱م.
 ۱۶. فرتوک‌زاده، محمد و بهداروند، محمدمهدی، اشاراتی در باب اسلامی شدن دانشگاه‌ها، قم، صبح صادق، ۱۳۸۲ش.
 ۱۷. نیستانی، محمدرضا، و رامشگر، ریحانه، نقش فعالیت‌های فرهنگی دانشگاه‌ها در توسعه‌ی فرهنگی جامعه، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال هشتم، شماره ۷۶، ۱۳۹۲ش.
 ۱۸. هادویان، غلامحسین، «مفهوم تروریسم و موضع حقوق اسلامی نسب به آن»، فصلنامه‌ی مصباح، تهران، دانشکده و پژوهشکده علوم انسانی دانشگاه امام حسین (علیه السلام)، شماره ۴۵، ۱۳۸۲ش.
19. Bistang c.r (2005), mobilization the private sector for public education. J.f.kennedy school of government Harvard Massachusetts.Oktober.
20. NKE. Stiven, (2002), "privatization in higher education: Emerging commonalities and diverse educational perspective in the Philippins , Australia, Poland and Iran", journal of development and society. Vol28, No.2.

